



• پنج‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۷۸

توصیه های آیت ا... علامه قاضی درباره ماه های رجب، شعبان و رمضان

آگاه و متوجه باش که ماه های حرام (رجب و شعبان و رمضان که در نزد اهل عرفان ماه های حرامند) از راه رسید؛ بیدار باش! تا این که برای مسافرت خویش توشه برداری و این فرصت را از دست مده و غنیمت بشمار! این ماه ها قرقگاه های خداوند است، پس در این قرقگاه داخل شو، اما حرمت آن را پاس بدار و آن ها را معظم داشته، ملتزم به رعایت آداب آن باش .



قبل از هر چیز توبه، شب جمعه اول ماه (رجب) یا روز جمعه یا روزهای یکشنبه. دستور توبه پیامبر(ص) در ماه ذوالقعدة که در مفتاح الجنان آمده:

غسل کن و وضو بگیر و چهار رکعت نماز گزار: در هر رکعت حمد یک مرتبه، قل هوا... سه مرتبه، معوذتین یک مرتبه، پس استغفار کن هفتاد مرتبه و ختم کن استغفار را به لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بگو: یا عَزِيزُ یا غفارُ اغْفِرْ ذُنُوبِيْ وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

شب زنده داری، چند رکعتی نماز بخوان و مقداری بخواب و سپس بیدار شو و به همین ترتیب عمل کن

پرهیز از گناهان صغیره و کبیره

هر کسی که نمی تواند هر روز را روزه بگیرد حتی الامکان ۵ روز از رجب و ۱۰ روز از شعبان را بگیرد

هیچ گاه ندیده و نشنیده ایم که احدی به یک مرحله و مرتبه ای از کمال راه یافته باشد مگر به واسطه برپاداری نماز شب

مداومت سجده یونسیه و گفتن ذکر یونسیه: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ در سجده پانصد تا هزار مرتبه

تسبیحات حضرت صدیقه(س) پس از هر نماز واجب زیرا این تسبیحات یکی از انواع «ذکر کبیر» شمرده شده است

زیارت حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) و نیز سایر مشاهد مشرفه اهل بیت(ع) و مساجد معظمه مانند مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجد سهله و...

دعا برای فرج حضرت حجتّ (عج) در قنوت «وَتَر» بلکه در هر روز و در همه اوقات و همه دعاها

نمازهای فریضه با نوافل آن که در مجموع پنجاه و یک رکعت است، اگر نتوانستید چهل و چهار رکعت، باز هم وقت نشد حتما نافله ظهر را که به آن «صلوه آوآیین» می گویند انجام بدهید. نماز ظهر را هم در وقت فضیلت انجام دهید که مراد از «صلوه وُسطی» همان نماز ظهر است

قرائت قرآن در شب ها، چرا که قرائت قرآن شراب مؤمنین است. حتما کمتر از یک جزء نباشد

دیدار و زیارت برادران نیکوکار و زیارت اهل قبور یک روز در هفته، نباید در شب باشد

منبع: سایت هدانا

کار یکلماتور

رضاوارسته

- * فوتبالیست با گل دروازه را «پاشا» کرد!
- * تنها کانال ارتباطی فرزندان «زبان مادری» است.
- * ساعت، مدام در کار قسمت کردن زمان است!
- * دوربین مدار بسته جای وجدان نشسته!
- * با نیامدن باران، آب از سر همه خواهد گذشت.

بریده کتاب

بهای هدیه

به ندرت چیزی به رایگان داده می شود. هیچ هدیه یا محبتی نیست که در انتها مجبور نباشی بهایش را به طور کامل پردازی.

«کفش های اُنبیاتی» اثر ژوان هریس

شعر طنز

پراید

سخر بهجو

راه اواز راه ما دیگر سواست غرق اطوار و قمیش و صد اداست لامروت گردنش باشد کلفت نرخ قالیقاش فقط صدتای ماست!

قرار مدار

روز خرید روی گوه

امروز آگه فرصت و شرایطش رو دارین بزنون به دل طبیعت و گوه... و آگه کسی اطرافتون نبود از ته دل خرید بزنون. سبک میشین

اندکی صبر

شوق بهار

فخرالدین رشیدی

در حس یک بنفشه شوق بهار دارم ریشه در خاک سقفی از آسمان دارم

اشتباهی

زهرافرنیا اطنز پرداز

تا حالا به این فکر کردین که آگه توی یه خانواده دیگه متولد شده بودین چه اتفاقی می افتاد؟ یا حتی آگه توی بیمارستان عوض شده باشین و بعد از ۲۰ سال خانواده واقعی تون پیداتون کنن، چی می شه؟ من که گاهی خانواده مورد نظرم رو هم انتخاب می کنم. کلی هم راه منطقی برای این که بچه شون باشم پیدا می کنم که امیدم از دست نره. مثلاً وقت هایی که توی مدرسه کارنامه می دادن و مامانم به ۱۷ من اعتراض داشت، دلم می خواست جای اون همکلاسی ای باشم که مامانش یه نگاه به نمره هاش می اندازد و می بینه همه دو رقمیه، خیالش راحت می شه. تازه اون جایی که بین همه ۱۰ ها یه دوازده پیدا می کنه، می گه: «آفرین عزیزم!»

الانم گاهی پیش میاد. به خصوص وقتیایی که مامانم می گه پاشو اتاقت رو جارو کن یا خونه رو گردگیری کن. انقدر فشار بهم وارد می شه که نگو. به این فکر می کنم که مثلاً می تونستم توی خانواده ای بزرگ بشم که هیچ کاری شون رو خودشون نمی کنن. برای تمام کارها شون خدمتکار دارن و داداش شون از سر سفره پا همیشه بدون این که حتی بشقابش رو بذاره توی ظرفشویی. یعنی داداشه همین کار رو می کنه ها، اما وظیفه خواهرش نیست که ته مونده غذاش رو جمع کنه.

حالانه که چشمم به مال و اموال باشه. مثال دیگه ام این که توی فیلما دیدین دختر خانواده با پدر و مادرش دعواش می شه، کلید ماشینش رو برمیداره و میره توی خیابونا برای خودش می چرخه و وقتی برمی گرده خانواده اش دارن از دلش درمیارن و اون ناز می کنه؟ من که ماشین شخصی ندارم. کلید ماشین بابا رو هم نمی تونم بردارم همین جوری بزمن بیرون، چون هم نمی ذاره، هم رانندگی بلد نیستم. دیگه ته تش میرم توی اتاقم و در رو پشتم محکم می کوبم که قطعاً یکی از طرفین دعوا می گه: «چته؟ در رو برای من محکم می کوبی؟» و بحث تازه کش دار تر می شه. تهنش هم منم که باید معذرت خواهی کنم.

چهارشنبه ها هم که باید ستون پنجشنبه «باخانمان» رو تحویل بدم، میرم توی همین موضع. به این صورت که کاش توی یه خانواده کاملاً پسرزاده دنیا می اومدم و اصلاً خانم نبودم که بخوام توی باخانمان بنویسم. چرا؟ چون حالش رو ندارم لپ تاپ رو روشن کنم بشینم فکر کنم که حالا این هفته چی بنویسم؟ هییی... نمونه بازی های عجیبی داره.

پرونده های مجهول پنجشنبه ها

هتلی که در زمان غیب و ظاهر شد

مناطق فرانسه مردم هنوز به سبک قدیم زندگی می کنند. آن قدر سبک و چیدمان هتل برایشان جالب بود که با دور بین شان عکس های زیادی از داخل و بیرون هتل می گیرند. آن ها شام خود را در آن جایی خورد و اتاق شان را برای استراحت تحویل می گیرند. صبح روز بعد وقتی برای خوردن صبحانه وارد رستوران هتل شدند، متوجه خدمتکاران با وضعیت غیر معمول و لباس های قدیمی به سبک قرن ۱۸ شدند. بعد از صبحانه با پرداخت مبلغ بسیار ناچیزی هتل را ترک کردند. پس از دو هفته در راه باز گشت از سفر تصمیم می گیرند که دوباره یک شب در همان هتل استراحت کنند اما در راه باز گشت اثری از آن هتل نمی بینند! چطور ممکن است در عرض دو هفته یک هتل بدون هیچ ردی ناپدید شود؟ پس از برگشت، نگاتیو دوربین را چاپ



منبع: scientificmystery

می کنند. اما با ناباوری متوجه می شوند عکس های هتل در بین عکس ها وجود ندارد. نکته جالب توجه این است که سیمپسون و همسرش در سال ۱۹۸۳ تصمیم می گیرند برای پیدا کردن هتل دوباره به مونتلیمار بروند و عجیب این که این بار در دست در همان محل، هتل را پیدا می کنند! اما این هتل، هتل چهار سال قبلی نبود که آن ها در آن اقامت کرده بودند.

آق کمال تن قسطی می کشد!

آق کمال همه کاره و هیچ کاره

معمولاً از یک ماه مانده به عید زندگی ما هم کن فیکون مره. یعنی از خردترین چیز تا کلون ترین شان، همه چیز دست به دست هم بدن تا نشون بدن عید دره مرسه. مثلاً ماشین یاتا قان مزنه، جاروبرقی آشغال نمکشه، یخچال خنک نمکنه، تلویزیون برق مشه و... هم هر چی خوردنی تو آشکاف و خیزه و یخچال درم هم تموم مره. بماند که همی کله کچل موئیم ۱۵ اسفند همچی فرفری مره که باید جل و تاقت بزئم تا موهام بخوابه و به سلمونی شب عید برسه! خلاصه تو یخچال مان عنکبوت داشت تار میست که عیال گفت و خه برم چهار تا چیز بخرم که اقلا یخچال بو نگیره. مخواستیم شب عید برم یگ جابخرم ولی دگه به جز یگ بسته نخود سبز تو فرفیزرو دو دانه تخم مرغ تو یخچال، خوردنی بر امان نمانده بود. حالا همیشه از سوپر مسودر فیقم خرید میکنم که یگ خبری هم به او برسه ولی جاتان خالی ای دفعه رفتیم یکی ازای هاپیرهای بزرگ که هم تخفیف مدن، هم جنس شان جوهره و هم فاله و هم تماشا. آقا موه بار که مژم ای جور جاها، هوری ووری مژم! یعنی همچی حرص مژم که عیال باید یختم ره بیگیره که از خود بی خود نرم. هم تا مرفتم پای قفسه های هر چی، عیال مگفت: «ما که مصرف نداریم، بر ندار! هنوز داریم، تاریخ شون می گذره! فعلاً لازم نداریم، بذار سر جاش!» خلاصه جو ری خرید کردم که دقیقاً تا ۲۹ اسفند بتیم زنده بمانم. بقیه اش هم خدا بزرگه! الان که دارم دونفری یگ سیب مخورم عیال مگه: «در عوض هم اسراف نکردیم، هم حال اونایی رو که این شب عیدی دست شون به دهن شون نمی رسه، درک می کنیم، هم تو هزینه ها صرفه جویی کردیم.» خلاصه آگه بدی خوبی از ما دیدن، نادید بیگیرن، ممکنه از گشنگی یا خور دن نون و پیاز داغ، توان نوشتن کله چغوکی هفته بعد ره ندشته بشم!

مسابقه این کیسه؟

اندک اندک پاسخ بدین!

سلام. این هفته با یک چهره پیش کسوت هنری مسابقه داریم که این روز ها هم اثر جدیدی از ایشون منتشر شده است. بیشتر از این راهنمایی نمی کنیم، دست به کار بشین و تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو هفته بعد همین جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو پنج شنبه هفته بعد چاپ می کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می بینید آقای زاهد منصوری، برنده هفته پیش هستن که دوباره بهشون تبریک میگیم.



مارپیچ (سختی ۵۰)

